

حادثه خونبار هشتم شهریور ۱۳۶۰، یکی از صادق‌ترین و جادوه‌ناه‌ترین مظاهر خدمتگزاری نظام جمهوری اسلامی، یعنی شهید محمدعلی رجایی را از انقلاب و امت دریغ کرد. رجایی، رئیس‌جمهور دوست‌داشتنی و طعم دردکشیده که پناهی بود برای مستضعفان و خاتمه‌ای بود بر فتنه لیبرال‌ها، به دست قاتلان پدتر از ابن‌ملجه‌ها به شهادت رسید و به «رفیق‌اعلی» پیوست.

پیشانیه دوستی و همراهی شهید رجایی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سال ۱۳۴۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که آیت‌الله خامنه‌ای در منزل شهید باهنر، برای نخستین‌بار با دوست و یار قدیمی او، رجایی «هژد» و «متین» آشنا شد. در آن فاصله آشنایی با جدایی که نزدیک به ۱۵ سال به درازا کشید، بارها خاطرات تلخ و شیرین مبارزه و قیام‌الله، مؤدت و رحمت میان دو دوست را مستحکم‌تر کرد.

شهریور و در پاسداشت نام یاد شهید رجایی، دو خاطره پیوندانی و عبرت‌آموز از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون حیات و شهادت آن شهید سعید را مرور می‌کنیم.

رجایی، حزب‌اللهی بود

… رجایی یک خصوصیت ممتازی داشت که این برای خود من همیشه به عنوان یک سرمشق بوده- اما نمی‌تیم که این سرمشق، چیزی است که من دائماً به آن عمل کرده‌ام، اما ادعا می‌کنم که این سرمشق، چیزی است که من دائماً خواستام به آن عمل کنم- در یک سخنرانی، خیلی صریح و روشن گفت که من طرفدار حزب‌الله هستم. آن روز اصطلاح «حزب‌الله» مثل امروز نبود؛ امروز همه افتخار می‌کنند حزب‌اللهی‌اند، امّا آن روز آن کسانی که هنوز کلاً از صحنه اداره فکر و سیاست این مملکت کنار نرفته بودند، حزب‌الله را یک فحش می‌دانستند و یک بدگویي تلقی

با وجود تأثیر مستقیم انتخاب رشته بر آینده تحصیلی و شغلی داوطلبان کنکور، نبود نظارت قانونی و فعالیت دفتر مشاوره موقت و غیر مجاز باعث سردرگمی، هزینه‌های سنگین و حتی بی‌انگیزگی دانشجویان می‌شود. کارشناسان بر ضرورت ایجاد منابع مستقل، آموزش شفاف و ابزارهای علمی برای هدایت درست داوطلبان تأکید دارند.

به گزارش ایسکانیوز، انتخاب رشته کنکور نقطه عطفی حیاتی در مسیر تحصیلی هر داوطلب است. این مرحله نه‌تنها مسیر شغلی و درآمد آینده جوانان را تعیین می‌کند، بلکه تأثیر مستقیم بر انگیزه و علاقه آنان به تحصیل دارد. با این حال، بررسی‌های میدانی و شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که بسیاری از دانشجویان، حتی با رتبه‌های بسیار خوب، به دلیل اعتماد به دفتر موقت و بدون مجوز، مسیر تحصیلی خود را به خطر می‌اندازند.

فضای مجازی پر شده از تبلیغات مراکز انتخاب رشته از مؤسسات کنکوری بزرگ تا دانشجویان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر- این افراد با وعده‌های قبولی تضمینی و استعدادیابی دقیق تلاش می‌کنند داوطلبان و خانواده‌ها را جذب کنند. بسیاری از این دفاتر هیچ نظارت قانونی و علمی ندارند و در برهه حساس انتخاب رشته، تنها برای کسب سود عمل می‌کنند.

دفتر انتخاب رشته معمولاً تنها یک تا دو هفته فعال هستند و پس از آن دیگر پاسخگو نیستند. حتی دفاتر دارای مجوز رسمی، تحت نظارت کافی نیستند و امکان سوءاستفاده مالی و علمی از داوطلبان همچنان وجود دارد.

هزینه‌های مشاوره و انتخاب رشته بسیار بالا و غیرشفاف است؛ از ۳ میلیون تومان آغاز و در برخی پکیج‌های کامل تا ۵۰ میلیون تومان می‌رسد. این هزینه‌ها حتی با خدماتی مانند کارگاه معرفی رشته‌ها و بازار کار، تست شخصیت و تحلیل علایق داوطلب، تضمینی برای موفقیت فراهم نمی‌کند. در شبکه‌های اجتماعی، میزان فالور و شهرت مشاوران تعیین‌کننده قیمت است؛ نه کیفیت و خدمات. دلایل اعتماد داوطلبان به دفاتر انتخاب رشته و مشکلاتی که از این اعتماد ناشی می‌شود، رشته در ترکیبی از کمبود اطلاعات، ترس از اشتباه و نبود منابع مستقل دارد. بسیاری از داوطلبان و خانواده‌ها

مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی که با هدف کاهش استرس و تقویت نقش سوابق تحصیلی تصویب شد، در سال اخیر بارها تغییر کرده است؛ از حذف پایه دهم و دروس عمومی گرفته تا بازگشت به برگزاری تکنوبتی، مجموعه‌ای از اصلاحات بی‌دربِی که داوطلبان را در بالاکتلیفی برده است.

به گزارش ایسکانیوز، داوطلبان کنکور تا چند سال پیش فقط نگران درس خواندن و آمادگی برای جلسه کنکور بودند؛ اما مدتی است علاوه‌بر نگرانی‌های قبلی باید به تغییرات چندماه یکبار قوانین کنکور هم کتار بیایند. از ۴ سال پیش که موضوع مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد تا زمان تصویب آن در سال ۱۴۰۱ و اعمال اصلاحات مداوم، سردرگمی داوطلبان هر روز بیشتر شد.

مدیرکل وقت دفتر سیاست‌های آموزش و پژوهش شوروا درباره تضاد نظر نهادهای سیاستگذار در زمینه کنکور معتقد است که مناسفانه نوعی تداخل وظایف در نهادهای سیاستگذار کشور وجود دارد؛ اما توجه به این نکته لازم است که شورای عالی انقلاب فرهنگی از دهه ۶۰ در نظام سنجش و پذیرش ورود کرده است، در حالی که این موضوع از اواخر دهه ۸۰ در مجلس مطرح شد. به همین دلیل اگر به لحاظ زمانی هم نگاه کنیم، شورا قدمت بیشتری در پرداخت به این موضوع دارد. همچنین مجلس در عموم کشورهای جهان، در امور آموزشی ورود نمی‌کند و نهادهای سیاست‌گذاری دیگری مسئول سیاستگذاری در حوزه آموزشی هستند. به طوری که اگر به لحاظ تطبیقی و جهانی نگاه کنیم، معمولاً در کشورهای مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه، شوراهای علم و فناوری وجود دارند که مسئول سیاست‌گذاری در این حوزه‌ها هستند. در حلسات ۱۳۰۰ و ۱۷۰۰ خرداد ۱۴۰۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست‌های جدید سنجش و پذیرش دانشجو به تصویب رسید و در تیرماه همان سال رسماً ابلاغ شد. بر اساس این مصوبه، چند محور اساسی در نظام کنکوری تغییر کرد. بر اساس این مصوبه قرار بود دروس عمومی از آزمون سراسری حذف شود و سوالات آزمون فقط به دروس تخصصی هر رشته محدود شود. همچنین سهم سوابق تحصیلی در نمره کل داوطلبان به صورت چندروز پیش بود که رضا محمدی رئیس سازمان در ادامه سهم سوابق تحصیلی در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال‌های مختلف آمده است؛ کنکور ۲۰۱۴: ۲۰ درصد سوابق تحصیلی (فقط پایه دوازدهم)، ۶۰ درصد آزمون سراسری

دو خاطره حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از شهید رجایی

«رجایی» حزب‌اللهی بود

می‌کردند. کلمه حزب‌الله و حزب‌اللهی می‌توانست یک حوزه انسانی و مردمی خاصی را مشخص کند. حزب‌اللهی یعنی آن آدمی که در خدمت اهداف خدایی و انقلاب اسلامی، بی‌محایا حرکت می‌کند و چیزی که از آن ملاحظه‌کنند، یا ندارد، یا موجب ملاحظه‌اش نمی‌شود؛ این حزب‌اللهی است. اگر جنگ است، می‌شاید به جنگ؛ اگر صدقات است برای اداره حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و پشت جبهه، هرچه دارد می‌ریزد در طبق اخلاص؛ اگر راهپیمایی زیر آفتاب گرم یا در زمستان سرد است، اول صبح می‌آید بیرون و تا آخر هست؛ اگر پاسخ گفتن به ندای مسئولان کشور و همواره تکرار کردن شعارهایی است که رهبر بزرگ انقلاب به این مردم داده، او جزو یکی از بهترین‌ها است و جزو کسانی است این شعارها را تکرار می‌کنند. واقعاً به معنای واقعی کلمه جزو امت بزرگ پشت سر امام است. این معنای حزب‌اللهی است. البته عده‌ای هم هستند که اینها حرفی هم ندارند که برای اسلام و

واقعاً نمی‌دانند براساس چه معیارهایی باید رشته و دانشگاه خود را انتخاب کنند و این عدم آگاهی باعث می‌شود به دنبال کسانی بگردند که بتوانند مسیرشان را «ضمین» کنند، حتی اگر این تضمین واقعی نباشد. فشار اجتماعی و خانوادگی هم این مسئله را تشدید می‌کند؛ وقتی مسیر تحصیلی به واقعاً نمی‌دانند براساس چه معیارهایی باید رشته و دانشگاه خود را انتخاب کنند و این عدم آگاهی باعث می‌شود به دنبال کسانی بگردند که بتوانند مسیرشان را «ضمین» کنند، حتی اگر این تضمین واقعی نباشد. فشار اجتماعی و خانوادگی هم این مسئله را تشدید می‌کند؛ وقتی مسیر تحصیلی به

نظر سرنوشت‌ساز می‌آید، طبیعی است که داوطلبان ترجیح دهند تصمیم خود را به افرادی بسپارند که تجربه یا شهرت دارند، صرف‌نظر از اینکه این افراد واقعاً صلاحیت علمی دارند یا خیر.

علاوه بر این، نبود ابزارهای مستقل و منابع علمی برای تحلیل رشته‌ها و بازار کار باعث می‌شود داوطلبان تنها گزینه‌های موجود در بازار را دنبال کنند و گرفتار تبلیغات اغواکننده و پکیج‌های پرهزینه شوند. نتیجه این روند، سردرگمی و بی‌انگیزگی دانشجویان نسبت به رشته‌ای است که انتخاب کرده‌اند. حتی کسانی که رتبه‌های عالی دارند، ممکن است به دلیل اعتماد به دفاتر غیرمجاز یا افراد غیرتخصص، مسیر تحصیلی خود را از دست بدهند و با نارضایتی و کاهش اشتیاق برای ادامه تحصیل مواجه شوند.

در واقع، مشکل اصلی نه‌فقط هزینه‌های بالا یا سوءاستفاده مالی، بلکه این است که داوطلبان به‌جای اینکه با شناخت توانایی‌ها، علاقه‌ها و

کنکور ۱۴۰۳: ۵۰ درصد سوابق تحصیلی (فقط پایه دوازدهم)، ۵۰+ درصد آزمون کنکور ۱۴۰۴: ۶۰ درصد سوابق تحصیلی (پایه‌های یازدهم و دوازدهم)، ۴۰+ درصد آزمون کنکور ۱۴۰۵: به بعد، ۶۰ درصد سوابق تحصیلی (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)، ۴۰+ درصد آزمون کنکور دیگر این مصوبه شامل برگزاری کنکور در دو نوبت سالانه برای کاهش اضطراب داوطلبان و ایجاد

فرصت مجدد و همچنین تأکید بر قطعی بودن تأثیر معدل، به‌ویژه در پایه‌های پایانی دبیرستان بود. مدیران شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقدند بودند که این تغییرات به عدالت آموزشی کمک می‌کند و از تمرکز صرف بر یک روز سرنوشت‌ساز می‌کاهد. همچنین قرار بود با افزایش سهم معدل، جایگاه مدرسه و آموزش رسمی تقویت شود. با گذشت ۳ سال از قطعی شدن مصوبه کنکوری شوروا، همه موارد آن دستخوش تغییر یا حذف شده‌اند. همین چند روز پیش بود که رضا محمدی رئیس سازمان سنجش گفت: برای سال ۱۴۰۵ که نوبت کنکور سراسری بر گزار می‌شود، البته کنکور اختصاصی دانشگاه فرهنگیان را نیز خواهیم داشت. در کنکور سراسری سال ۱۴۰۵ میزان درصد سوابق تحصیلی ۶۰ درصد و سهم کنکور



دانشگاه Daneshgah@Kayhan.ir



انقلاب، یک‌وقت یک کاری هم بکنند، امّا برایشان در درجه اول، مسائل شخصی خودشان است یا چهره شدن‌شان؛ اینها حزب‌اللهی نیستند. اینها کسانی‌اند که اگر انسان بخواهد طرفدار حزب‌الله باشد، به اینها در موارد زیادی پسر خواهد خورد؛ یک‌جا به مال‌شان، یک‌جا به حیثیت‌شان، یک‌جا به مکانت اجتماعی‌شان، شهید رجایی صریح گفت من طرفدار حزب‌الله هستم. بنده همان وقتی که این حرف را از رجانی شنیدم – که در تلویزیون و رادیو داشت سخنرانی می‌کرد و من هم داشتم می‌شنفتم- با خودم گفتم که این مرد، عقل و دینش را با هم آمیخت؛ چون یقین است که در یک جامعه‌ای که سالیان درازی با جدایی‌های تبعیض زندگی کرده، در آن واحد، دل همه مردم را نمی‌شود به‌دست آورد؛ باید انتخاب کرد، و رجایی انتخاب کرد؛ همان چیزی که در آن فرمان معروف امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) به مالک اشتر بود که به عامه مردم و به توده‌های مردم رو بیاور و آنها را بطلب، آنها هستند که دل‌شان

... من بیمار بودم و تازه از بیمارستان خارج شده بودم و در منزلی در حدود نیاوران استراحت می‌کردم و در جریان اوضاع و احوال هم قرار می‌گرفتم؛ یعنی مرحوم شهید رجایی و شهید باهنر و برداران دیگر، مسائل را با من در میان می‌گذاشتند، ولیکن خود من شرکت فعالی در جریانات نمی‌توانستم انجام بدهم. در این اواخر که تدریجاً حالم بهتر شده بود، گاهی در جلسات شرکت می‌کردم، کمابیش در قبل از حادثه، من در جلسه‌ای در اتاق خود مرحوم رجائی شرکت کردم که در آن جلسه راجع به مسائل مهم مملکتی صحبت کردیم؛ بنابراین

بالا تعیین می‌شود. این شرایط باعث می‌شود خانواده‌ها و داوطلبان، حتی با بودجه محدود، مجبور شوند برای رسیدن به اطمینان کاذب، مبالغ سنگینی پرداخت کنند، بدون اینکه تضمینی برای موفقیت یا تطابق رشته با علاقه و توانایی‌ها وجود داشته باشد.

از منظر ساختاری، نبود نهاد نظارتی و قانونی مؤثر موجب شده که دفاتر انتخاب رشته بتوانند بدون مجوز یا با مجوز جعلی فعالیت کنند. حتی در صورت وجود مجوز، نظارت دقیق و محکمی روی عملکردشان نیست. این خلأ باعث می‌شود بازار انتخاب رشته به صورت غیررسمی و پرخطر اداره شود و هیچ مکانیسم پاسخگویی وجود ندارد. داوطلب و خانواده‌ها وجود نداشته باشد. علاوه‌بر این، شکل‌گیری دفاتر موقت و کوتاهمدت، اغلب تنها در زمان اعلام نتایج کنکور، باعث می‌شود هیچ ردیابی مالی و مالیاتی صورت نگیرد و شفافیت در ارائه خدمات عملاً وجود نداشته باشد.

پیامد مستقیم این وضعیت، بی‌ثباتی و عدم اعتماد در بازار انتخاب رشته است. دانشجویان حتی با رتبه‌های عالی، ممکن است به دلیل اعتماد به مشاوران غیرتخصص یا دفاتر جعلی، مسیر تحصیلی و حرفه‌ای خود را به خطر بیندازند. در

آشفته‌بازاری به نام «انتخاب رشته»!

پیامدهای اقتصادی و ساختاری وضعیت فعلی انتخاب رشته و فعالیت دفاتر غیرمجاز بسیار گسترده و عمیق است و تنها محدود به داوطلبان نمی‌شود. در بعد اقتصادی، گردش مالی عجیب و غریب این دفاتر و مؤسسات مشاوره، نشان‌دهنده بازاری است که تقریباً بدون نظارت رسمی عمل می‌کند. هزینه‌هایی که متغیر است، نه براساس کیفیت واقعی خدمات، بلکه عمدتاً براساس شهرت، تعداد فالور یا موقعیت جغرافیایی و تبلیغات بسیار

۴۰ درصد است. بنابراین منطقی نیست که برای ۴۰ درصد کنکور دو نوبت آزمون برگزار شود در صورتی که ۱۰۰ درصد سهم ۶۰ درصدی دارند. پس باید به روح و روان داوطلبان هم توجه کنیم.

در حالی که یکی از نوآوری‌های مصوبه، برگزاری کنکور در دو نوبت سالانه بود. از سال ۱۴۰۲ داوطلبان می‌توانستند در دو نوبت آزمون شرکت کنند و بهترین نمره آن‌ها برای انتخاب رشته ملاک قرار

بالاتکامفی کنکوری‌ها در بازی تغییرات!



گیرد. هدف از این تصمیم، کاهش اضطراب و دادن فرصت دوباره به دانش‌آموزان عنوان شد. البته تجربه دو سال اخیر نشان داد که این تغییر با مشکلات اجرایی و هزینه‌های بالا همراه است. بسیاری از داوطلبان نیز از سردرگمی ناشی از دو بار آزمون در سال گلایه داشتند. تصمیم اخیر سنجش بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و میان داوطلبان داشت. برخی این اقدام را بازگشت به عقب دانستند و تأکید کردند که فرصت دوم برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر یا بیمار بسیار مفید بود. اما گروه دیگری معتقدند تغییرات برگزاری آزمون، نظم بیشتری ایجاد می‌کند و از موازی‌کاری و هزینه‌های اضافی جلوگیری خواهد کرد. با نزدیک شدن به اجرای کامل مصوبه، اعتراض‌ها به لحاظ کردن نمرات پایه دهم شد گرفت. بسیاری از کارشناسان و خانواده‌ها معتقد بودند که نمرات پایه یا به

از محل حادثه دور بودم و بعدازظهر هم بود، من هم بیمار بودم و خوابیده بودم. از خواب که بیدار شدم، از برادرهای پاسدار که پهلوی من بودند، یک زمزمه‌هایی شنفتم. گفتم اقیقتاً چیست؟ گفتند که من در نخست‌توزیری منفرج شده. من فوق‌العاده نگران شدم. گفتم که چه کسی آنجا یسوده؟ گفتند که رجائی و باهنر هم بوده‌اند، من فوق‌العاده نگران شدم. با حال بسیار ضعیف و ناتوانی که داشتم، خودم را رساندم پای تلفن، بنا کردم این‌جا و آنجا تلفن‌کردن، امّا خبرها همه متناقض و نگران‌کننده بود. یکی می‌گفت که حالشان خوب است، یکی می‌گفت زنده بیرون آمده‌اند، یکی می‌گفت جسدشان پیدا نشده، یکی می‌گفت در بیمارستانند و من تا اوایل شب که خبر درستی به من نرسیده بود، در حالت فوق‌العاده بد و نگرانی به سر می‌بردم، تا بالاخره مطلب برایم روشن شد. فکر می‌کردم با آقای شامشی یا آقای حاج احمدآقا خمینی که صحبت کردم، آنها به من گفتند که مسئله این‌جوری شده.

احساسات من در آن موقع طبعی است که چه احساساتی بوده، دو دوست عزیز و قدیمی، دو انقلابی، دو عنصر طراز اول جمهوری اسلامی را از دست داده بودیم و من شدیداً احساس خسارت می‌کردم، احساس ضایع می‌کردم، احساس غم می‌کردم و از طرفی نسبت به آن کسانی که عاملان این حادثه

بودند احساس خشم می‌کردم و لذا هم بود که فردا صبح زود با اینکه خیلی بی‌حال بودم، پاشدم سوار ماشین شدم، آمدم برای تشییع جنازه به مجلس و با اینکه اصلاً همه من را منع می‌کردند که شرکت نکنم و دخالت نکنم، دیدم طاقت نمی‌آورم که در مراسم شرکت نکنم؛ آمدم آنجا روی ایوان جلوی مجلس و یک سخنرانی‌ای هم با کمال هیجان کردم که دو روزی من را دوستان گرفته بودند که مبدا من بیفتم؛ از بس هیجان داشتم. (مراد ۱۳۶۱)

اینکه وضعیت انتخاب رشته و سوءاستفاده‌هایی که از داوطلبان می‌شود اصلاح شود، نیاز به تغییرات جدی و ساختاری داریم. یکی از مهم‌ترین کارها ایجاد نظارت واقعی و قانونی روی دفاتر و مراکز مشاوره است. باید نهادی وجود داشته باشد که بتواند فعالیت این دفاتر را بررسی کند، هزینه‌هایی که دریافت می‌کنند، را کنترل کند و اگر مشکلی پیش آمد، داوطلب یا خانواده‌اش جایی برای شکایت و پیگیری داشته باشند. بدون چنین نظارتی، بسیاری از مراکز حتی با داشتن مجوز رسمی هم می‌توانند از داوطلبان سوءاستفاده کنند. همزمان لازم است اطلاع‌رسانی و آموزش شفاف و گسترده به داوطلبان صورت گیرد. بسیاری از دانش‌آموزان و خانواده‌ها نمی‌دانند چطور رشته‌ها و دانشگاه‌ها را براساس علاقه، توانایی و بازار کار بررسی کنند و به همین دلیل سراغ دفاتر و افراد سودجو می‌روند. منابع علمی و مستقل که بتوانند مسیر انتخاب رشته را روشن کند، می‌تواند به داوطلب کمک کند تصمیمات آگاهانه و منطقی بگیرد.

یکی دیگر از راهکارهای مهم، ایجاد ابزارها و پلتفرم‌های دیجیتال معتبر است که بتوانند انتخاب رشته را به شکل علمی و قابل مقایسه ارائه دهند. این پلتفرم‌ها می‌توانند توانایی‌ها، علاقه‌ها و شخصیت داوطلب را تحلیل کنند و براساس آن مسیرهای مناسب را نشان دهند، بدون اینکه قیمت‌ها و تبلیغات شبکه‌های اجتماعی دخالت کنند یا داوطلب به فردی صرفاً به خاطر شهرتش اعتماد کنند. همچنین لازم است داوطلبان مهارت‌های تصمیم‌گیری و خودشناسی را یاد بگیرند تا بتوانند به درک بهتری از توانایی‌ها و علاقه‌های خود برسند و بفهمند که هر انتخابی چه پیامدی برای آینده‌شان دارد. وقتی دانش‌آموز بداند چرا یک رشته را انتخاب می‌کند، چقدر توانایی بیشتریافت در آن را دارد، دیگر نیازی نیست سرنوشت خود را صرفاً به یک مشاور بسپارد.

اگر این تغییرات اتفاق نیفتد، بحران اعتماد همچنان ادامه پیدا می‌کند و حتی دانشجویان با استعداد و رتبه بالا هم ممکن است مسیر تحصیلی خود را از دست بدهند یا با بی‌انگیزگی و نارضایتی وارد رشته‌ای شوند که با توانایی و علاقه‌شان همخوانی ندارد.

همیشه نمی‌دانند یا چه تصمیماتی از سوی ناوگن‌گذاران مناسبی برای ورود به دانشگاه باشد. در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از کشمکش‌های بسیار در سال ۱۴۰۲ اعلام کرد که تأثیر معدل پایه دهم از فرمول کنکور حذف می‌شود و تنها پایه‌های یازدهم و دوازدهم مبنای است هزینه کنند که دوباره بتوانند روش غیرمعی و غلط حافظه‌محور، دستکاری نظارت و غفلت را برگردانند که البته موفق نخواستند و در خواب همچنین برگشتی را نتواند دید. یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد به این موضوع، عدم نظارت آموزشی است.

کارشناسان هشدار داده‌اند که با افزایش سهم قطعی معدل، کیفیت آموزش در مدارس مناطق محروم بیش از پیش بر سرنوشت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر، اگر امکانات آموزشی، معلم و کیفیت برگزاری امتحانات در سراسر کشور یکسان نباشد، اتکا به معدل می‌تواند نابرابری‌ها را تشدید کند.

این انتقادات در حالی مطرح می‌شود که سیدجلال موسوی مدیرکل وقت دفتر سیاست‌های آموزش و پژوهش شورای انقلاب فرهنگی اعلام کرده بود که تغییرات جدید کنکور، مصداق عدالت آموزشی است.

از سوی دیگر، حذف دروس عمومی نیز محل مناقشه بود. برخی معتقدند این اقدام موجب کم‌رنگ شدن توجه دانش‌آموزان به مباحث فرهنگی و اجتماعی می‌شود، در حالی که گروهی دیگر بر این باورند که حذف عمومی‌ها باعث تخصصی‌تر شدن کنکور و تمرکز دانش‌آموزان بر رشته مورد علاقه‌شان خواهد شد.

فرهنگی پس از گذشت یک هفته از جلسه تصمیم‌گیری در مورد تأثیر قطعی معدل پایه‌های یازدهم و دوازدهم در کنکور، همچنان درگیر اظهارات یکدیگر هستند. از جمله این اظهارات می‌تواند به واکنش رئیس سازمان سنجش، دبیر ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای وزارت علوم و شورا اشاره کرد. اما در نهایت این تصمیم بازتاب مثبتی در میان داوطلبان داشت و بسیاری آن را نشانه‌ای از توجه مسئولان به دغدغه‌های دانش‌آموزان دانستند. البته همچنان بحث بر سر میزان اعتبار نمرات امتحانات نهایی و تفاوت سطح برگزاری آزمون‌ها در مناطق مختلف کشور ادامه دارد. با حذف ۲ مورد از چهار مورد مصوبه کنکوری شورا، چه تضمینی وجود دارد که تا سال آینده موارد دیگر هم مورد تجدیدنظر قرار نگیرند. داوطلبان کنکور نگران‌تر از

صفحه ۷

پنجشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۴

آیا پیشنهاد «لیسانس سه‌ساله» قابلیت اجرا دارد؟

وزارت علوم در نظر دارد طول دوره کارشناسی را از چهار سال به سه سال کاهش دهد؛ اقدامی که به گفته وزیر علوم می‌تواند ورود دانشجویان به بازار کار را تسریع و مهارت‌آموزی را تقویت کند. با این حال، کارشناسان بر این باورند که اجرای این طرح نیازمند بازنگری جدی در برنامه‌های درسی و رفع کلیه‌های ساختاری آموزش عالی است. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در یک برنامه تلویزیونی دو موضوع کلیدی را مطرح کرد که یکی از آنها بررسی و ارائه مستندات برای ضرورت کاهش مدت زمان دوره کارشناسی از چهار سال رایج به سه سال بود.

وزیر علوم با اشاره به نظام آموزشی رایج در برخی کشورها، به طور مشخص به مدل فرانسوی اشاره کرد که در آن دوره کارشناسی به طور سنتی چهار سال به طول می‌انجامد. با طرح این سنت آموزشی را مورد پرسش قرار داده و بر این نکته تأکید کرد که این ساختار چهار ساله لزوماً تنها راه یا بهترین راه برای تربیت دانشجویان نیست و می‌توان و باید آن را مورد بازنگری جدی قرار داد و با قاطعیت بیان داشت که دوره کارشناسی می‌تواند به سه سال کاهش یابد و این کاهش مدت زمان، به دانشجویان این امکان را می‌دهد که پس از اتمام تحصیلات خود، بلافاصله و با آمادگی بیشتری وارد عرصه بازار کار شوند.

از جمله دلایل طرح این دیدگاه می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

۱. **ورود سریع‌تر به بازار کار:**

از نظر سیمایی یکی از اصلی‌ترین نتایج و مزایای کاهش دوره کارشناسی به سه سال، فراهم آوردن فرصتی برای دانشجویان جهت ورود زودهنگام به محیط کسب و کار و اشتغال است. در دنیای امروز که سرعت تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی بسیار بالاست، هر سال تأخیر در ورود به بازار کار می‌تواند فرصت‌های شغلی و تجربی ارزشمندی را از افراد بسب کند. با کاهش یک سال از دوره تحصیل دانشجویان زودتر می‌توانند دانش تنوری آموخته شده را در محیط واقعی به کار گیرند، مهارت‌های عملی خود را تقویت کنند و تجربه کاری ارزشمندی کسب نمایند. این رویکرد، دانشگاه را به عنوان یک نهاد تربیت نیروی انسانی ماهر و آماده به کار، به رسالت اصلی خود نزدیک‌تر می‌کند.

۲. **تمرکز بر مهارت‌آموزی:**

فشرده‌سازی دوره تحصیل به سه سال، به معنای کاهش زمان صرف شده برای دروس نظری محض و افزایش فرصت برای تمرکز بر آموزش‌های مهارتی، کارگاهی، پروژه‌محور و عملی است. سیمایی صرف به شدت بر تقویت و اولویت‌بخشی به مهارت‌آموزی به عنوان یک رکن اساسی و غیرقابل اغماض در نظام آموزش عالی تأکید کرد. این رویکرد، به ویژه در رشته‌های علوم انسانی که به طور سنتی بستر کمتری برای آموزش‌های عملی و مهارتی فراهم شده، اهمیت حیاتی دارد.

۳. **نقش آموزش صنعتی در تسریع تحصیل:**

وزیر علوم به پیشرفت‌های چشمگیر هوش مصنوعی به عنوان یک دستیار آموزشی قدرتمند و تحول‌آفرین اشاره کرد. هوش مصنوعی می‌تواند با ارائه منابع آموزشی متنوع بر اساس سبک یادگیری و سطح دانش هر دانشجو، فرایند یادگیری را تسریع و تسهیل کند و زمان بیشتری را برای تعامل عمیق‌تر و فعالیت‌های پژوهشی و خلاقانه فراهم آورد.

۴. **کسب‌تنش ستاد‌های قدیمی:**

وزیر علوم و تحقیقات با این‌که ما در یک نقطه عطف تاریخی قرار داریم، بیان کرد که لازم است بسیاری از سنت‌های قدیمی و ناکارآمد را کنار گذاشته و با جسارت علمی و رویکردی نوآورانه، سیستم آموزشی را با واقعیت‌های روز جهانی همسو سازیم. دوره‌های تحصیلی طولانی، که شاید در گذشته برای عقق بخشیدن به دانش کاربرد داشته‌اند، در دنیای کنونی که اطلاعات به سرعت در حال درگونی است، ممکن است منجر به انباشت دانش قدیمی و از دست دادن زمان ارزشمند برای کسب مهارت‌های جدید باشند.

مقایسه لیسانس در کشورهای جهان



۴ ساله است و دانشجویان علاوه بر دروس تخصصی، حجم قابل‌توجهی درس عمومی (مثل معارف، زبان، تربیت بدنی و...) هم باید بگذرانند، و همین دلیل مسیر کمی طولانی‌تر و عمومی‌تر پیش می‌رود. اما در اروپا (به‌ویژه کشورهایی که سیستم بولونیا را اجرا می‌کنند مثل آلمان، فرانسه و ایتالیا) کارشناسی معمولاً ۳ ساله است و تمرکز از همان ابتدا بیشتر روی دروس تخصصی رشته قرار دارد؛ یعنی دانشجو سریع‌تر وارد چرخ رشته‌اش می‌شود که پیش‌پیش بعد از آن ادامه تحصیل در کارشناسی ارشد ۲ ساله است. در نتیجه، ایران در مقطع کارشناسی مسیر گسترده‌تر و عمومی‌تری دارد، در حالی که اروپا مسیر فشرده‌تر و تخصصی‌تری ارائه می‌دهد. اجرای چنین تغییراتی، هرچند با مزایایی همراه است، اما بدون شک با چالش‌ها و موانعی نیز روبه‌رو خواهد بود که نیازمند بررسی دقیق، برنامه‌ریزی جامع و ارائه راهکارهای مناسب است.

تغییر برنامه درسی کاهش دوره کارشناسی از چهار به سه سال، مستلزم یک بازنگری و بازطراحی کامل در سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی تمامی رشته‌ها است. این امر نیازمند فشرده‌سازی محتوا، حذف دروس تکراری یا کم‌اهمیت، و اولویت‌بخشی به مهارت‌های عملی و کاربردی است. این بازنگری باید به گونه‌ای انجام شود که کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها منجر نشود. آموزش و توانمندسازی استادی: استادی‌دانشگاه‌های، به عنوان رکن اصلی آموزش، باید برای تدریس در یک سیستم آموزشی جدید، با رویکردهای نوین، و همچنین استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی، آموزش ببینند.

آزادی انتخاب استاد توسط دانشجو

سیمایی صرف همچنین به نکته بسیار مهم در خصوص انتخاب استاد توسط دانشجو اشاره نمود: ما کاری کردیم که استاد دانشکده دنبال دانشجو می‌گردد چرا دانشجویان باید مزایم به انتخاب استادی شود که دانشکده انتخاب کرده است؟ اگر دانشجو به هر دلیلی استاد را انتخاب نمی‌کند کارشناسی وجود دارد و باید آن را برطرف کرد و این موجب رقابت بین استادان نمی‌شود. این دیدگاه، اهمیت حیاتی آزادی انتخاب دانشجو در محیط دانشگاه را برجسته می‌کند. سیستمی که در آن دانشجو مجبور به انتخاب استادی است که توسط دانشکده تعیین شده، ممکن است منجر به عدم تناسب علمی و انگیزشی بین استاد و دانشجو شود. ایجاد فضایی که در آن دانشجو بتواند استادی را بر اساس حوزه تحقیقاتی، روش تدریس، و سابقه علمی او انتخاب کند، نه تنها رضایت تحصیلی دانشجو را افزایش می‌دهد، بلکه انگیزه‌ای برای استادیاب ایجاد می‌کند تا کیفیت تدریس و راهنمایی خود را ارتقا بخشدن و در نتیجه، رقابت سالمی بین استادیاب برای جذب دانشجویان علاقمند شکل بگیرد. این رقابت مثبت می‌تواند به ارتقای چشمگیر کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها منجر شود.

کمزربن کار با بیشترین بازدهی!

وزیر علوم همچنین بر ضرورت ایجاد فرصت مطالعاتی برای دانشجویان و استادیاد تأکید کرد. این امر به عنوان یکی از نکته‌های کوچک، اما خوشحال‌کننده ناشی از تغییر رویکرد، ذکر شد؛ گاهی‌بایدیادین در راستای تربیت تغییر رویکرد، فرصت‌های مطالعاتی، دانشجویان و استادیار قادر می‌سازد تا با آخرین یافته‌های علمی، تکنیک‌های تحقیقاتی جدید، و روش‌های آموزشی نوین در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی پیشرو در جهان آشنا شوند. این سرمایه‌گذاری بر روی افراد، به جای انبیه و تجهیزت صرف می‌تواند با هزینه کم، بیشترین بازدهی را در راستای شتاب علمی کشور داشته باشد. سیمایی صرف نیز این تغییرات را قدم‌های کوچکی توصیف کرد که هزینه ندارد و فقط باید بررسی علمی شود.

کاهش دوره کارشناسی از چهار به سه سال، به منظور ورود سریع‌تر دانشجویان به بازار کار و کسب تجربه عملی؛ تقویت و اولویت‌بخشی به مهارت‌آموزی به عنوان یکی از تغییر نظری؛ گاهی‌بایدیادین در راستای تربیت نیروی انسانی کارآمد، مهارت‌مند است؛ اما اینکه وزیر علوم و تحقیقات می‌گوید ضرورت کاهش دوره کارشناسی به سه سال به این دلیل است که دانشجویان بلافاصله بتوانند وارد بازار کار شود یا تضمین و ضمانتی برای شغل دانشجو هست یا به این طرح به افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار کمک می‌کنیم؟

به نقل از خبرگزاری دانشجو، ایران دانشجویان و استادیاب نیازمند بازنگری اساسی، رویکردی جامع نگر، برنامه‌ریزی دقیق و علمی، همکاری فعال و هم‌افزایی بین تمامی بخش‌های مرتبط در وزارت علوم، دانشگاه‌ها، سازمان‌های پژوهشی و همچنین حمایت قاطع از نوآوری و انعطاف‌پذیری در تمامی سطوح نظام آموزشی است.

دیدگاه استادی

نگاهی روانشناختی

به تکرار تقابل «دیپلماسی و میدان»

سیدمهدی حاکم

دوباره در میانه جنگ، گروهی از سازش‌را با غرب حرف زده‌اند. شاید از نظر روانشناختی کمی عجیب به نظر برسد که چطور بعد از همبستگی جبر‌انگیز مردم در دفاع از انقلاب و ایران، چنین حرف‌هایی زده می‌شود و البته تأثیرهایی هم می‌گذارد. این تناقضی این سؤال را پیش می‌آورد که نهایتاً مردم ما در نظر روانی خواهان مقاومت هستند یا تمایل به سازش دارند؟

نگاه به هویت ایرانی نشان می‌دهد ایرانی‌ها با افت و خیزهایی همواره خودشان را در بحران‌ها پیدا کرده‌اند و نگذاشته‌اند در دیگری محصل شوند. زبان فارسی به غریب تبدیل نشد، ایرانی‌ها زیر بار حکومت عباسیان نرفتند و حتی مغول‌ها اخلاق ایرانی به خودشان گرفتند و از این مثال‌ها زیاد است. و در جنگ ۱۲ روزه هم دیدیم که عزت داشتن و زیر بار ستم نرفتن، در هویت ما جوشش دارد.

پس آنچه باعث می‌شود مجالی برای غریزدها وجود داشته باشد، وجود سستی در هویت ایرانی نیست. غریزدهای امروز، صراحتاً نمی‌گویند باید در مقابل دشمن تسلیم شویم زیرا خرفشان خرباری خواهد داشت بلکه می‌گویند این نوع مبارزه علاقه‌نا نیست و می‌توان با راه‌های سالم‌تجویانه جلوی دشمن را گرفت!

پس آنچه دارد توسط غریزدها از آن سوءاستفاده می‌شود، بعد «حکمت‌جویی» در هویت ایرانی است که علاقه دارد کارها را با خرد و نه سستی‌زهای بی‌جهت حل کند. جدای از منافع مادی که پیوستن به غرب برای غریزدها دارد، چه سا خودشان هم از این سوءاستفاده آگاه نیستند زیرا دران ترس و وحشت خودشان را در دیگران فرافکنی می‌کنند و این سستی خودشان است که برای عادی جلوه دادش می‌گویند همه آن را دارند.

هویت ایرانی‌س به قارن و قیاد و آرش افتخار می‌کند و با دیدن چهره با صلابت حججی به وجد می‌آید و برای سلیمانی دلش بر پُرب و تاب می‌شود. آنچه می‌توانیم امروز به مردم بیشتر در موردش گفت‌وگو کنیم آن است که غریزه‌ها ترس خودشان را از قارلی حکیمانه می‌فرستند تا مورد قبضه و محاصره نشوند. در حالی است که حکمت موجود در هویت ایرانی نه تنها با ترس و ضعف مخالف است، بلکه مانع از خوش فکری در مورد دشمن و ترک مبارزه با او می‌شود. شاید با این زبان که بازگو کردن قصبه هویت مردم برای خودشان است، بتوانیم از جناحی کردن قبایل سخاگنی بین دیپلماسی و میدان کار شایم و بر این باوریم که مردم به خودشان، آن‌ها را آگاه کنیم، آن‌ها را به یاد خودشان و باوریوم با ا بیتهائی روانشناختی، هویت ایرانی‌شان را نشانشان دهیم تا خودشان به بی‌هویتی غریزدها پی ببرند و حکمت را در مبارزه بازبانی کنند. در این صورت آن‌ها می‌توانند هم‌راهی بین حکمت‌جویی و ستم‌پذیری در به هویت‌شان است را بیابند و احساسی یکپارچه از خودشان داشته و در آن مبارزه ثابت قدم بمانند.

روانکا و استاد دانشگاه